

**سخنان پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در آخرین لحظات**

سلیم می گوید: از سلمان فارسی شنیدم که می گفت: در مرضی که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم از دنیا رفت نزد آن حضرت نشسته بودم. حضرت زهرا سلام الله علیها وارد شد و چون حال ضعف پیامبر صلی اله علیه و آله و سلم را دید، بغض گلویش را گرفت. بطوری که اشک بر گونه هایش جاری شد.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: دخترم چرا گریه می کنی؟ عرض کردند: یا رسول الله بعد از تو برخودم و بر فرزندانم از بی اعتنائی مردم و تضییع حقمان می ترسم.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که چشمانش اشک آلود شده بود فرمود: ای فاطمه مگر نمی دانی ما اهل بیتی هستیم که خداوند برای ما آخرت را بر دنیا ترجیح داده و فنا را بر همه خلقش حتمی نموده است. خداوند تبارک و تعالی توجهی به زمین نمود و مرا از میان آنان انتخاب کرد و به پیامبری برگزید. سپس برای بار دوم توجّهی به زمین نمود و همسر تو را انتخاب کرد و به من دستور داد تا تو را به ازداوج وی در آورم. او را به عنوان برادر و وزیر و وصّی و جانشین خود در امتم قرار دهم. پس پدر تو بهترین انبیاء و رسولان خداوند است، و شوهر تو بهترین اوصیا و وزیران است. و تو اوّل کسی از خاندان من هستی که به من ملحق می شوی. سپس خداوند توجه سومی به زمین کرد و تو را و یازده نفر از فرزندانت و فرزندان برادرم و شوهرت را که از نسل تو هستند انتخاب نمود (معرفی دوازده امام علیهم السلام). پس تو سیده زنهای اهل بهشت هستی. و دو پسرت حسن و حسین دو آقای جوانان اهل بهشتند. و من و برادرم و یازده امام، که جانشینان من تا روز قیامت هستند- همگی هدایت کننده و هدایت شده ایم. اولین نفر از جانشینان بعد از برادرم حسن است و بعد از او حسین و سپس نه نفر از فرزندان حسین که در بهشت در یک منزل خواهند بود. منزلی از منزل من به خدا نزدیک تر نیست و سپس منزل ابراهیم و آل ابراهیم است.

دخترم آیا نمی دانی از جمله کرامت های خداوند بر تو آن است که تو را به ازدواج بهترین امتم و بهترین اهل بیتم درآورده است؟ او که در قبول اسلام از همه بیشتر، در حلم و بردباری از همه بالاتر، در علم از همه بیشتر، روحش از همه بزرگواتر، زبانش راستگوتر، قلبش شجاع تر، دستش بخشنده تر، نسبت به دنیا از همه زاهدتر، و در کوشش و جدیت از همه شدیدتر است. حضرت زهرا سلام الله علیها از آن چه پدرش فرمود مسرور و خوشحال شد. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت زهرا سلام الله علیها فرمود: علی بن ابیطالب علیه السلام هشت دندان برنده و شکافنده دارد و مناقبی دارد که هیچ یک از مردم ندارند:

ایمان او به خدا و رسولش قبل از هر کسی، احدی از امّتم در این باره بر او سبقت نگرفته است. علم او به کتاب خد او سنتم، که احدی از امّت بجز همسرت همه علم مرا نمی داند. چرا که خداوند علمی را به من آموخته است که غیر از من و او آن را نمی داند و به ملائکه و پیامبرانش هم نیاموخته و فقط به من آموخته است. و مرا امر کرده که آن را به علی علیه السلام بیاموزم و من این کار را انجام دادم. بنابراین هیچکس از امتم همه علم و فهم و حکمت مرا بطور کامل غیر او نمی داند. دیگر اینکه توای دخترم همسر او هستی. و دو پسرش حسن و حسین نوه های من هستند. و آنها دو سبط امتم هستند. و امر به معروف ونهی از منکر او. و اینکه خداوند جل ثنائه به او حکمت و فصل بین حق و باطل را آموخته است.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه و همسر او و دو پسرش نگاهی کرد و فرمود: ای سلمان خدا را شاهد می گیرم که من با کسانی که با اینان بجگند روی جنگ دارم و با کسانی که با اینان روی صلح داشته باشند روی صلح دارم. بدانید که اینان در بهشت همراه منند.

سپس پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم رو به علی علیه السلام کرد و فرمود: یا علی تو بزودی بعد از من، از قریش و متحد شدنشان بر علیه تو، و ظلمشان بر تو، سختی خواهی کشید. اگر بر علیه آنان یارانی یافتی، با آنان جهاد کن. و با مخالفینت بوسیله موافقینت جنگ کن. و اگر یاری نیافتی، صبر کن. دوست خود را نگهدار و با دست خویش خود را در هلاکت مینداز. تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی هستی و تو از هارون اسوه و روش خوبی خواهی داشت که به برادرش موسی گفت:

*اِنَّ القَومَ استَضعفُونی وَکادُوا یقتُلونَنی[[1]](#footnote-1)*

این قوم مرا ضعیف شمردند و نزدیک بود مرا بکشد.

1. 1ـ سوره اعراف آیه 150 [↑](#footnote-ref-1)